هو الابهی الابهاء

سفر اول

۴۷/۲/۲۲

صورت وصیت جناب کربلائی حکاک کتاب مستطاب اقدس که فرض کتاب الوصیه

۱ جناب اجر بحری تمام نامه‌های صادره از گردنکشان غایب فرزند مرض مهر حسن گردنکشانی شخصاً تصدیق به دیانت بهائی و اقرار به وحدانیت خدا و مشرقیت حضرت اعلی و مظهریت جمال اقدس ابهی و ولایت حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ارواحنا لتراب مقدمه له الفداء

۲ مطیع و منقاد کلیه احکام و دستورات کتاب مستطاب اقدس و الواحات و دستورات دیانت بهائی

۳ مراسم فوت و تغسیل و تکفین و مختصر تذکر و مخارجات و علوم تشریفات ایام فوت و عزا و قبر و صندوق طبق دستورات دیانت بهائی عمل شود

۴ مخارجات عزا هفتصد و پنجاه تومان بشود و حریت و پنجاه تومان برای لجنه مهاجرت مرکز داده شود مبلغ هشتاد تومان تحت نظر محضر روحانی گردنکشان غایب به فقرا و مستمندان گردنکشان چه بهائی و چه غیر بهائی داده شود

۵ علوم اختیارات کلیه املاک و املاک را ادام داده به دو نفر فرزند ارشد اکبر خود هاشم بحری و عباس آقای بحری که در علوم امورات شهر و مشورت صحیح نمود و تحت نظارت محضر شایسته حاج بحری و علوم کارها را عمل کنند

۶ و مبلغ چهار صد ریال برای مخارج لازم تحصیل اطفال فقرای گردنکشان به بستان شمس داده شود و مبلغ یکصد و پنجاه ریال برای روشنائی حمام بالای گردنکشان داده شود

۷ و هر سال ۹ محضر عزا و مبلغی قرضه در گردنکشان تقسیم داده شود ۱ لیله بعثت حضرت اعلی و تولد حضرت عبدالبهاء ۲ لیله اول محرم ۳ لیله اول عید سعید رمضان ۴ لیله عید قربان ۵ لیله عید فطر ۶ لیله عید نوروز ۷ لیله صعود حضرت ولی امرالله ۸ لیله اول و دوم عید رضوان ۹ لیله فوت جناب اجر بحری یک محضر تذکر گرفته شود و در هر سالی ۱۱ در لیله پنجم ماه برای فوت مرحوم والد محضر تذکر گرفته شود ۱۲ و هر سالی در لیله ۹ هفته ماه یک محضر تذکر برای مرحوم والد تشکیل شود و هر سالی در روز عاشورا محضر عزا تشکیل به هند و زیارتنامه حضرت سید الشهداء سلطان دستور حضرت بهاءالله تلاوت گردد و در برابر این مخارجات سه دانگ از شش دانگ زمین هفتصد تومان قریه را با نصف از حقوق کبیر واقع در زمین در بقیه باغ نبات را وقف نمودم تا ابد برای همین کار که بوده ابد زمین و درخت را بمصرف خالص و صافی برسانند و سه عشر نیم از سه منه تقسیم را که نشده اگر باشد وقف نمودم برای باقی مخارجات که ذکر شد اگر کار از دست مستقل به یک نفر فرزند اکبر هاشم و عباس بدهند زمین قسمت را ادام اگر بخواهند بفروشند از منافع بفروش صرف کنند زمین زمان تا ابد وقف است

۸ آنچه را من دارم از آب و ملک و خانه و اشیاء از یک ریال الی زیادتر بحال خود باقی باشد تا اولاد و نوه کبیر و تحصیل نمایند که صد تومان تحصیل آنها و پنج تومان ۱۲ باشد و از درآمد دارائی مخارج کنند و هر یک از تحصیل خارج شدند کمک به یکی بدهند تا اولاد آخر بعد از آنکه همه کبیر شدند و تحصیل کردند آن وقت باقی را به تقسیم کنند و چون سه نفر از اولاد ذکور از دنیا رفته‌اند بقیه در ایام عمر حکمی به اولاد ذکور با نظر فرزند که ولی و وصی و تمام اختیارم میباشند و تحت شورا و نظارت محضر روحانی گردنکشان عمل کنند و اگر خدای نخواسته هر یک از اولاد ذکور از دنیا رفتند بیع اختیار ندارند و تغییر ندهند و خارج از تقسیم هستند و اولاد دیگر که صلاحیت دارد و بسیار از خدا بخواهند و مقصود همین دو نفر از فرزندانم تبدیل دیگری اختیار خواهند داشت و از قسمت من بجا نیست کسی اعمال از محضر روحانی دیگر را اینجا کنند ولی از دو نفر از اولاد ذکور هم کمتر نباشند

۱۰ و آنچه با اخوی شریک هستم تقسیم کنند و شاجر نکنند چهار من آب نزد اخوی دارم که او شش ملک وقفی نزد من دارد
و آب او نزد او است و یکمن آب نزد او اضافه دارم و ملل مرحومه والده [illegible] اسباب و متصدی خانه
است شریک میباشیم و در کارها با اخوی حضرت بهاءالله مابین حکم خواهد کرد و نزاع و حضرت عباس با او مسامحه
کنید

۱۱ و آخرین وصیت اگر اولادهایم دارا شدند آنچه را میدانند خدمت بمردم باالله قصر به اهالی کرمان بنمایند و
مبادا بکمی تکبر کنند خادم عالم بشریت باشند نزاع انسانرا دوست داشته باشند [illegible]
از کرمان فرموده ام خریدار [illegible]

۱۲ پس از فوت حضرت روحانی خراسان و یا حضرت مقدس روحانی ملی باز بفرزندانم آقا مجید و عباس مجید و داود لوز
و اگر فوت در طهران بوده همین و اگر فوت در کرمان جایز در آنجا همین کفن و دفن و همچنین در طهران و چنانچه
اولادهایم از این وصیت سرپیچی کنند و یا سرپیچی نمایند و بر خلاف رفتار کنند و از ساز و سیاست و مهربانی
همدیگر دور بشوند و یا در قسمت اموال [illegible] و در صورت امکان از اهالی [illegible] باشند
در دنیا و آخرت از آنها راضی نخواهم شد و یا اگر فرزندان بزرگ نسبت بکوچکها کمک و مساعدت [illegible]
و برای تحصیل آنها اقدام نکنند بنحو مستقل و من راضی نخواهم بود از آنها و خوشی و سعادت نخواهند
رسید و سلام و رحمت و صیانت مرحومه [illegible] ۱۹ شهر الجلال ۱۱۵ که در کرمان
[illegible]
و عباس مجید و صیانت مرحومه [illegible]
[illegible]